

## An Analysis of the Historical Mistakes of the Movie Star of the East (Setareh Shargh)


Mehdi Bayat Mokhtari <sup>1</sup> \ Mostafa Lal Shatri <sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Archaeology and History, Faculty of Literature and Humanities, Neyshabur University, Khorasan Razavi, Iran.

*bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir*

2. Assistant Professor, Department of Archaeology and History, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran (Corresponding Author).

*mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	Fadl ibn Shazan Neyshaburi was a companion of Imams Reza, Jawad, Hadi, and Askari, and wrote numerous books on jurisprudence and theology. In this regard, the television film Setareh Shargh was made in connection with a part of his life and was first broadcast in 2015 and then rebroadcast many times on various networks (the last time in 2013 on Channel 3 and Khorasan Razavi). The aim of the present study, relying on the descriptive-analytical method, is to answer the question of in what cases has the content structure of the aforementioned film slipped and changed compared to historical narratives? The findings indicate that the film's motive is somewhat devoid of research and hasty action, and as a result, it is full of slips and insinuations, such as its reflection of Fadl's origin and race, his family, including his wife, daughter, and son-in-law, his accuser, the reason for the court's establishment and its timing, the time of writing his books, and their place. Also, the final structure of the script, presented in visual discourse, depicts the Shiites and elders of the Imamate school in Nishapur, deceived and empty six decades after the arrival of Imam Reza.
	
<b>Received:</b> 2024.10.24	
<b>Accepted:</b> 2025.04.05	
<b>Keywords</b>	Fadl ibn Shazan, Star of the East(Setareh Shargh) film, historical slips, hadith-historical sources.
<b>Cite this article:</b>	Bayat Mokhtari, Mehdi & Mostafa Lal Shatri (2025). An Analysis of the Historical Mistakes of the Movie Star of the East (Setareh Shargh). <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 16 (2). 115-136. DOI: 10.22034/16.59.113
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/16.59.113">https://doi.org/10.22034/16.59.113</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## دراسة الزلازل التاريخية في فيلم نجم الشرق

مهدي بيات مختاري<sup>١</sup> / مصطفى لعل شاطري<sup>٢</sup>

١. استاذ مرادف، فرع علم الآثار و التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعه نيشابور، خراسان رضوي، ايران.

bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

٢. استاذ مساعد، فرع علم الآثار و التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة نيشابور،

خراسان رضوي، ايران (الكاتب المسؤول). mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	كان فضل بن شاذان النيشابوري، من أصحاب الأئمة الرضا، الجواد، الهادي، و العسكري <small>عليه السلام</small> و صنف الكثير من الكتب في الفقه و الكلام. في هذا السياق، تم اعداد فيلما تليفزيونيا باسم نجم الشرق يتعلق بشطر من حياته و تم عرضه لأول مرة في عام ١٣٩٤ شمسي (٢٠١٥م) و من ثم اعيد عرضه عدة مرات (آخر مرة كان في عام ١٤٠٢ شمسي (٢٠٢٣م) من الشبكة الثالثة و خراسان الرضوي). الهدف من البحث الحاضر بالاعتماد علي الاسلوب الوصفي - التحليلي الاجابة علي هذا السؤال و هو في هيكليه فحوا الفيلم المذكور ما هي الحالات التي تعرضت للزلازل التاريخية و التغيير بالتطابق مع الروايات التاريخية؟ النتائج تشير الي ان دافع الفيلم يفتقر الي حد ما الي البحث و هو عمل متسرع و بالنتيجة رافقة الزلازل و الغموض و الايهام، منها ردود الفعل ازاء أصل و نسب فضل، أسرته سواء زوجته، ابنته و صهره، القاضي الذي حاكمه و سبب إقامة المحكمة و زمانه زمن تصنيف كتبه و مكانتها، قد ارتكب فيها اخطاء جسيمة. كما ان النص النهائي لكتابة الفيلم، و في المقولة البصرية المعروضة، تجسد الشيعة و كبار مدرسه الامامة في نيشابور سته عقود بعد ورود الامام الرضا <small>عليه السلام</small> ، مخدوعين و سذج.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٤/٢٠	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/١٠/٠٦	
الألفاظ المفتاحية	فضل بن شاذان، فيلم نجم الشرق، الزلازل التاريخية، المصادر الحديثة - التاريخية.
الاقتباس:	بيات مختاري، مهدي و مصطفى لعل شاطري (١٤٤٧). دراسة الزلازل التاريخية في فيلم نجم الشرق. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٦ (٢). ١٣٦ - ١١٥. DOI: 10.22034/16.59.113
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/16.59.113
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



# تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۶، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۵۹

## واکاوی لغزش‌های تاریخی فیلم ستاره شرق

مهدی بیات مختاری<sup>۱</sup> / مصطفی لعل شاطری<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران.

bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

۲. استادیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور،

خراسان رضوی، ایران (نویسنده مسئول). mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۳۶ - ۱۱۵)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶</p>	<p>فضل بن شاذان نیشابوری، از اصحاب امامان رضا، جواد، هادی و عسکری بود و کتب فراوانی در فقه و کلام به نگارش درآورد. در همین راستا، فیلم تلویزیونی ستاره شرق در ارتباط با بخشی از زندگانی او ساخته شده و نخستین بار در سال ۱۳۹۴ ش پخش و سپس از شبکه‌های گوناگون بارها بازپخش شد (واپسین بار در ۱۴۰۲ ش از شبکه سه و خراسان رضوی). هدف از پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی پاسخ به این پرسش است که ساختار محتوایی فیلم مذکور در چه مواردی در قیاس با روایات تاریخی دچار لغزش و دگرگونی شده است؟ یافته‌ها حاکی از آن است انگیزته فیلم تا حدودی بی‌بهره از پژوهش و عملی شتاب‌زده و در نتیجه توأم با لغزش‌ها و ابهاماتی است، چنان‌که در بازتاب اصالت و نژاد فضل، خانواده او اعم از همسر، دختر و دامادش، محاکمه‌کننده او و چرایی برپایی دادگاه و برهه آن، زمان نگارش کتاب‌هایش و جایگاه آنها، سخت به خطا رفته است. همچنین، ساختار نهایی فیلمنامه، در گفتمان بصری ارائه داده شده، شیعیان و بزرگان مکتب امامت در نیشابور را شش دهه پس از ورود امام رضا، فریب خورده و درون تهی ترسیم می‌نماید.</p>
واژگان کلیدی	فضل بن شاذان، فیلم ستاره شرق، لغزش‌های تاریخی، منابع حدیثی - تاریخی.
استناد:	بیات مختاری، مهدی و مصطفی لعل شاطری (۱۴۰۴). واکاوی لغزش‌های تاریخی فیلم ستاره شرق. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. ۱۶ (۲). ۱۳۶ - ۱۱۵. DOI: 10.22034/16.59.113
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/16.59.113
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.



## طرح مسئله

سینما پس از ابداع، به سرعت در میان جوامع بشری انتشار یافت، به‌ویژه در عصر کنونی که لذت‌جویی از فرهنگ تصویری بر بهره‌مندی چیرگی یافته است. فیلم‌های سینمایی مانند بسیاری از ساخته‌های بشری می‌توانند برای مخاطبان بیانگر حقیقت یا تحریف‌ساز باشند، زیرا به مثابه ابزاری در دست انسان هستند. در همین راستا، فیلم تلویزیونی «ستاره شرق»، در ارتباط با زندگی فضل بن شاذان از یاران امام رضا علیه السلام<sup>۱</sup>، در حدود یک دهه گذشته تولید و بارها به مناسبت‌های مختلف مانند ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور، شهادت امامان جواد علیه السلام، هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام از شبکه‌های متعدد سراسری و استانی، بازپخش شده است. ستاره شرق از تولیدات ۱۳۹۳ ش و به‌عنوان اولین فیلم تاریخی محسوب می‌شود که در معاونت سیمای استان‌ها ساخته شد. کارگردان آن علی غفاری، تهیه‌کننده آن علی لدنی و نویسندگی آن را امیر دژاکام (بر اساس فیلمنامه «روایای سرو» نوشته امیر طیبی) برعهده داشته و بازیگرانی همچون محمود پاک نیت، انوشیروان ارجمند، افشین نخعی، فخرالدین صدیق شریف، کاوه خدشناس، گیتی قاسمی و آزاده ریاضی به ایفای نقش پرداخته‌اند. شایان ذکر است که در تیتراژ آغازین و پایانی، هیچگونه اشاره‌ای به مشاور علمی و یا منابع دست اول و پژوهشی مورد استفاده، نشده است! این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای، طی ۳۵ روز و به طریق HD پس از پشت سر گذاشتن مراحل تصویربرداری در شهرک سینمایی غزالی، شهرک دفاع مقدس و لوکیشن‌هایی در استان خراسان، نخستین بار ۴ فروردین ۱۳۹۴ ش از شبکه سراسری «شما» و طی چند روز بعد از شبکه سراسری «دو سیما» و شبکه استانی «خراسان رضوی» به نمایش در آمد (URL 1 - 5).

داستان فیلم در قرن سوم هجری و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام آغاز می‌شود. خلفای عباسی به دلیل نفوذ علمای شیعه و گسترش آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در بین مردم، به شدت نگران هستند. فضل ابن شاذان، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای شیعه، در نیشابور مشغول تألیف کتابی درباره احادیث مهدویت است. او سعی دارد تا معارف دینی را حفظ کرده و به نسل‌های آینده منتقل کند. خلیفه عباسی که از نفوذ فضل نگران است، فردی به نام جابر را مأمور می‌کند تا به نیشابور رفته و فضل را از بین ببرد. جابر که از نزدیکان حکومت است، با استفاده از حيله‌گری و شایعه‌پراکنی وارد نیشابور می‌شود. او

۱. نقل مستقیم فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام انحصاری به حدیث گسترده «علل الشرایع و الأحکام» و همین گونه «نامه آن حضرت به مأمون» که هرکدام کتابی هستند و بی‌استثناء فقه‌شناسان آن دو را منبع و مدرک استنباط‌هایشان قرار داده‌اند، منحصر نمی‌شود. این عالم، احادیث بسیاری را در زمینه توحید، انبیاء، امام حسین علیه السلام و غیره از آن حضرت گزارش نموده است (صدوق، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹، ۱۰۹، ۱۸۷؛ ج ۲، ص ۲۶ - ۲۵؛ همو، *الخصال*، ص ۵۸؛ همو، *التوحید*، ص ۱۳۷، ۲۶۹؛ همو، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۴۱۹). آنچه مسلم است، فضل بن شاذان از صحابیان و شاگردان امام رضا علیه السلام، جواد علیه السلام، هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام بوده است (عطاردی، *راویان امام رضا* علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام؛ نجف، *الجامع لروایات و اصحاب الامام الرضا* علیه السلام؛ میرلوحی موسوی، *کفایه المتهدی*).

شایعه‌ای پخش می‌کند مبنی بر اینکه امام حسن عسکری (ع) فضل را نفرین و او را مرتد خوانده است. این شایعه باعث ایجاد تردید میان مردم نسبت به فضل می‌شود و برخی از پیروان او را نیز دچار سردرگمی می‌کند. با گسترش این شایعات و افزایش تهدیدها، فضل تصمیم می‌گیرد برای حفظ جان خود و ادامه فعالیت‌های علمی‌اش، به همراه چند تن از شاگردانش از نیشابور خارج شود. در طی فیلم، فضل با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. جابر که نماینده ظلم و فساد است، با استفاده از نفوذ خود در حکومت، افراد محلی را علیه فضل تحریک می‌کند، اما فضل با ایمان قوی و حمایت شاگردانش، همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. فیلم بر محوریت تقابل میان حق و باطل تأکید دارد. فضل نماینده علم، ایمان و مقاومت است که با وجود تمام خطرات، بر اصول خود پایبند می‌ماند و برای حفظ معارف اسلامی مبارزه می‌کند. این تقابل میان جابر و فضل نشان‌دهنده دو دنیای متفاوت است؛ دنیای ظلمت و فساد در برابر دنیای نور و علم. این فیلم نشان‌دهنده تلاش‌های بی‌وقفه علمای شیعه در بستر تاریخ، برای حفظ آموزه‌های اهل بیت (ع) در برابر فشارهای حکومت‌های ظالم است.

در مورد نحوه پرداختن به وقایع تاریخی در آثار بصری همچون فیلم به‌طور کلی شاید دو نظر قابل طرح باشد. دسته‌ای بر این اعتقاد که تاریخ باید بی‌کم‌وکاست و دقیق بازنمایی شود و برخی بر این باورند که خود تاریخ نتوانسته تصویر دقیق و کاملی از یک رخداد را ارائه دهد. با این حال، باید توجه داشت که تاریخ باید در خدمت روند کلی داستان باشد و در مواردی که متون تاریخی جزئیات را بیان داشته‌اند، ضرورتاً مورد توجه قرار گیرد. شاید بتوان دیدگاه دوم مبنی بر نگاه کلی به روند وقایع تاریخی را در وقایع فاقد شواهدی مبنی بر جزئیات قابل قبول داست، اما در مواردی همچون پژوهش حاضر، صادق نیست و به مثابه خطا و لغزش علمی محسوب می‌شود، زیرا منابع متعدد و در دسترس برای درک جزئیات و بازتاب صحیح آن وجود دارد. هرچند در ذات، تولید آثار تصویری در حوزه تاریخ اسلام همچون ستاره شرق ارزشمند است، اما کاستی‌های محتوایی آن را نمی‌توان از نظر دور داشت، چنانچه این اثر تا حدودی فاقد زیربنای متقن و مستحکم پژوهشی و عملی، شتابزده و در نتیجه آمیخته به لغزش‌ها و نالاستواری است، زیرا در گزارش از زندگی فضل بن شاذان در عرصه‌های گوناگون، دچار خطا شده است. از رهگذر اینکه نقد و ارزیابی، مقدمه تکامل به شمار می‌آید، برخی از لغزش‌های فیلم تلویزیونی ستاره شرق در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار گرفته است.

### پیشینه پژوهش

هرچند در دهه‌های اخیر، نقد محتوایی فیلم، مبدل به موضوعی مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های گوناگون شده است، اما در زمینه آسیب‌شناسی موردی فیلم‌های برخوردار از بن‌مایه شخصیت‌های تاریخ اسلام، پژوهشی مستقل صورت نپذیرفته است و صرفاً فرخی (۱۳۷۵) در مقاله «تاریخ اسلام و مضامین اسلامی



در فیلم‌های کودکان و نوجوانان»، عاقبتی خطبه سرا (۱۳۹۳) طی مصاحبه‌ای با عنوان «تاریخ اسلام در قاب سینما، پیشنهاد سوره‌های تاریخی به سینما، گفتاری از محمدحسین رجیبی»، هاشمی (۱۳۹۶) در مقاله «صورت‌بندی سریال معمای شاه در تعامل سه‌گانه هستی‌شناسی، تاریخ، رسانه»، جهانگردی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش فیلم در آموزش تاریخ: چالش‌ها و راهکارها»، حسین خانی (۱۴۰۱) در پایان نامه «ظرفیت‌ها و آسیب‌شناسی فرهنگی - تمدنی سریال‌های تاریخی رسانه ملی (با محوریت سریال‌های تاریخی علماء شیعه)» به صورت گذرا و بسیار مختصر، صرفاً به اهمیت بهره‌مندی از مفاهیم و مضامین اسلامی در تولید فیلم، اشاره داشته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر از دو منظر عمومی و اختصاصی، فاقد پیشینه پژوهش مرتبط می‌باشد که گواهی بر تازگی و نوآوری موضوع مطروحه است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر مبنی بر مطالعه‌ای کیفی و تحلیل محتوای اثری بصری، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی با رویکردی بینارشته‌ای (تاریخ - هنر) به واکاوی و صحت‌سنجی بازتابِ گفتمانِ مکتوب (گزارش‌های تاریخی - حدیثی) در گفتمان بصریِ سکانس‌های متفاوت فیلم تلویزیونی ستاره شرق پرداخته است.

### بازتابِ گفتمانِ مکتوب در گفتمانِ بصری

بهره‌گیری از واژه گفتمان از اواسط قرن نوزدهم میلادی در گستره علوم مختلف، به‌ویژه در زیرشاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی ظهور یافت و در اندک‌مدتی به‌صورت فزاینده در عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی و روانکاوی و سپس نظریه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفت. هرچند گفتمان دارای تعریفی مختص به حوزه زبان‌شناسانه بود، اما در سیر تاریخی دارای معانی غیرتخصصی دیگری همچون مکالمه یا گفتگو که بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی بود را در خود ایجاد کرد و امروزه مفهوم گفتمان مبدل به یکی از مفاهیم کلیدی در عرصه‌های مختلف فرهنگی - هنری گردیده است. گفتمانِ مکتوب را می‌توان استفاده از زبان در قالب نوشتار برای پدیدآوردن معنا و مفهوم دانست. مبنی بر نگرش تاریخی در زمینه بررسی هر واقعه، نیاز به مجموعه‌ای سامانمند از گزاره‌های صحیح است تا به‌واسطه آن بتوان به واقعیت دست یافت. در وقایع مرتبط با تاریخ اسلام، گزاره‌های موجود از منابع تاریخی و روایی (حدیثی) قابل استخراج و استنباط است که بر اساس آن گفتمانی مکتوب شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> دیگر گونه از گفتمان در حوزه بصری بروز یافته است که می‌توان آن را فرایندی برشمرد که با

۱. لعل شاطری، «واکاوی تبدیلِ گفتمانِ مکتوبِ غزوه خیبر به گفتمان بصری در کتاب طوفان البکاء»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ش ۲۹، ص ۷۸.

استفاده از عنصر نمایش، بر ذهنیت مخاطب اثر می‌گذارد. این گونه از گفتمان به استفاده از عناصر بصری برای انتقال معنا و ایجاد یک دستگاه بینشی اشاره دارد که شامل تصاویر، نمادها و نشانه‌های دیداری است که به طور منسجم سازماندهی شده‌اند تا مفاهیم خاصی را منتقل کنند. گفتمان بصری صرفاً به عنصر دیداری توجه ندارد، بلکه آنها را در بستر سایر متون مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهد. این گفتمان متکی به خوانشی است که دقت زیادی به جزئیات دارد. باید توجه داشت که فرهنگ جامعه امروزی از رسانه‌های تصویری بیش از گذشته تأثیر می‌پذیرد و این تصاویر هستند که جایگزین زبان شده‌اند. تصویر هنری، وسیله تفسیر رخدادهای جهان به شیوه دیداری است.<sup>۱</sup> مبنی بر این جریان، یکی از ریشه‌های اصلی در بهره‌گیری از وقایع تاریخی در حوزه‌های گوناگون هنر همچون فیلم، بهره‌گیری از این گفتمان و ترجمه آن به گفتمان بصری محسوب می‌گردد، چنان‌که در دوره معاصر، این ابزار به محملی برای این جریان مبدل شده است، چنان‌که مدد می‌رساند تا با نمایش معانی و کیفیات باطنی به صورت تجسمی، پلی میان عالم محسوس و نامحسوس زده و به عبارتی بیان محسوس یک امر بعضاً نامحسوس باشد. بر این اساس، فیلم ستاره شرق، مبدل‌سازی این دو گفتمان را در دستور کار خود قرار داده است و در این میان با بررسی تطبیقی محتوای فیلم به مثابه گفتمان بصری می‌توان دریافت که تا چه میزان این اثر در حفظ اصالت گفتمان روایی (رخدادهای تاریخی) تأکید و توجه داشته است.

### خطا در اصالت و نژاد

فیلم در زمینه اصالت و نژاد و خانواده فضل بن شاذان، اطلاعات ناستوار و مجعولی ارائه داده است. مبنی بر ساختار محتوایی فیلم، جابر بن معاذ، شیخ الشیوخ و دانشمند بزرگ بغداد که برای خاموش‌سازی و رویارویی با فضل بن شاذان در ۲۶۰ ق به نیشابور آمده است، در نخستین دیدار به او می‌گوید: «نیاکان تو همگی عرب می‌باشند، به سوی دودمانت در یمن برگرد در آنجا خدمت کن. آب و هوای سرزمین نیشابور، تو و سایر مهاجران عراق و حجاز را ماندگار ساخته است».<sup>۲</sup> در وابستگی فضل بن شاذان به تبار «أزد» یمن باید گفت که نجاشی (م ۴۵۰ ق)، در سده پنجم هجری قمری و دو قرن پس از درگذشت فضل بن شاذان، نخستین فردی است که بر «أزدی» بودن فضل، تصریح نموده است.<sup>۳</sup> آیا نجاشی، راه به صواب پیموده و ابن‌شاذان ریشه در «أزد» یمن دارد؟ شاید بتوان چنین برداشت نمود، اما قراین و شواهد

۱. محمودیان، «تحلیل گفتمان بصری پوشش زنان در شبکه نمایش خانگی با تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی»، فصلنامه

مطالعات هنر، ش ۵، ص ۱۴۲ - ۱۴۱.

۲. ستاره شرق، دقیقه ۱۴ - ۱۳.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۰۶.

هشتگانه زیر، آن رویکرد را دستخوش چالش و تردید می‌سازد:

۱. منابع حدیثی و رجالی، شاذان، پدر فضل را به نیشابوری بودن توصیف کرده‌اند و قید ازدی را نیفزوده‌اند. بر این اساس، موضعی برای تردید در تولد و رشد و نمو او و فرزندش در نیشابور وجود ندارد. به علاوه، نام شاذان [شاذان] که اساساً نامی ایرانی است، شاهدی دیگر محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

۲. کلینی (م ۳۲۹ ق) که بیش از یک قرن از نجاشی متقدم است، صدها روایت با واسطه استادش، محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری، از فضل بن شاذان روایت نموده که در آنها به نام پدر، جد و نیشابوری بودنش تصریح شده، اما هیچ اشاره‌ای به «ازدی» بودنش نکرده است.<sup>۲</sup> کلینی با شاگرد فضل رابطه وثیق شاگردی داشته و از طرفی تقریباً هم‌زمان با درگذشت «فضل» در نیشابور، او در «کلین» زاده شده است.

۳. کشی که معاصر کلینی است و یک سده پیش از نجاشی می‌زیسته و اولین کتاب جامع رجالی شیعه را رقم زده و در آن به ابعاد زندگی فضل بن شاذان به گونه مستوفی پرداخته<sup>۳</sup> و از شاگردان فضل همچون علی بن محمد بن قتیبه، ابوعبدالله شاذانی و محمد بن اسماعیل نیشابوری ده‌ها حدیث تحمل کرده و روایات فضل را به فراوانی گزارش کرده، هیچ روزه‌ای به ازدی بودنش نگشوده است.<sup>۴</sup>

۴. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، با اینکه چندین بار به نیشابور مسافرت و برای تحمل اخبار فضل بن شاذان در سال ۳۵۲ ق با خاندانش ملاقات داشته<sup>۵</sup> و برخی از آنان مانند ابومحمد جعفر بن نعیم بن شاذان، استادش به شمار می‌آیند و واسطه انتقال میراث فضل به او هستند و از سویی صدوق در کتب گوناگون خویش، از جمله *من لایحضره الفقیه* از فضل بن شاذان روایاتی را نقل نموده و به علاوه در ضبط و ثبت روایات و راویان بسیار دقیق و پایبند است، اشاره‌ای به موضوع ازدی بودن فضل نداشته است.<sup>۶</sup>

۵. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) که معاصر نجاشی است و اساتید مشترک دارند و از چهار کتاب معتبر حدیثی شیعه دو کتاب را سامان داده و صدها روایت ابن‌شاذان را در آن دو و دیگر کتب خویش گزارش نموده

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۳، ص ۲۹؛ طوسی، *الاستبصار*، ج ۱، ص ۶۰، ۶۲ و ۱۴۴؛ طوسی، *تهذیب الأحکام*، ج ۱، ص ۹۰ و ۳۹۴؛ خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۶ و ج ۳، ص ۲۹.

۳. کشی، *رجال الکشی*، ج ۲، ص ۸۲۲ - ۸۱۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۷۷، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۸۶ و ۳۱۳؛ ج ۲، ص ۴۵۸، ۴۶۸، ۴۷۷، ۴۹۵، ۶۲۱، ۶۴۰، ۷۹۵ و ۸۵۵.

۵. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۱۰۶.

۶. صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۲۹۹، ۳۰۵، ۴۵۴، ۵۲۲ و ۵۴۱؛ ج ۴، ص ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۲۰، ۴۱۹ و ۴۵۷.



و از طرفی دو نگاشته از چهار تصنیف اولیهٔ رجالی شیعه را تألیف و یکی را تهذیب نموده و در هر سه، به ابعاد مختلف حیات علمی فضل پرداخته و از سویی طوس محل تولد و رشد او با نیشابور زادگاه و آرامگاه فضل نزدیک بوده است، به این موضوع اشاره‌ای ندارد. به‌هرحال، همه اینان که تقدم زمانی بر نجاشی دارند و سرآمدان عصرشان به شمار می‌آیند، نه به صراحت و نه کنایه، نقبی به ازدی بودن او نزده‌اند.<sup>۱</sup>

ع فضل بن شاذان در زمان حیاتش، در انجمن‌های علمی بغداد و کوفه که ده‌ها فقیه و محدث حضور داشته‌اند و اعراب یمانی و ازجمله «ازدیان» به فزونی در آن قلمرو زندگی می‌کرده‌اند، به فقیه «خراسانی» نام‌بردار بوده است؛<sup>۲</sup> آن هم در ببحوحه‌ای که اعراب برخوردار از روح عربیت و آگاه به انساب خویش بودند.

۷. آقابزرگ تهرانی از متخصصان حوزه کتاب و رجال‌شناسی، تصریح می‌کند که فضل به گونه الحاقی و «ولائاً» و نه بالاصاله منسوب به قبیله ازد است.<sup>۳</sup> شیخ موسی زنجانی نیز ازدی بودن نژاد فضل را، رویکردی استوار تلقی نکرده است.<sup>۴</sup>

۸. به دنبال فتوحات اسلامی، ورود اعراب به شهرهای ایران از طریق بصره و کوفه به تدریج انجام گرفت و خراسان از تمامی شهرها، برای اعراب خوشایندتر بود.<sup>۵</sup> پس از سیطره سیاسی - نظامی اعراب در خراسان، به‌ویژه «ازدیان»، بسیاری از خاندان‌های ایرانی به‌منظور برخورداری از منافع و حقوق برابر اجتماعی و حفظ منزلت، به عرب‌مآبی پرداختند و با «تعرب»، هویت و شناسنامه‌ای مجعول برای خود ساختند. مبنی بر تحلیل مؤلف مقدمه کتاب **تاریخ نیشابور** «در میان حدود دو هزار و هفتصد نام که از دانشمندان نیشابور تا عصر فردوسی آمده است، درصد ناچیزی نام‌های ایرانی است و بقیه همه عرب‌اند با کنیه‌های عربی و نسبت‌های سلمی، قریشی، ثقفی، شیبانی، تمیمی، ذهلی، قشیری و خزاعی، ولی اکثریت اینها عرب واقعی نبوده‌اند، بلکه از رهگذر اینکه تعرب مُد روز بوده، عربی بالولاء شده‌اند. مثل ایرانی‌هایی که در آمریکا اسم ایرانی شان را به جیمز و جونز و هری و امثال آن عوض می‌کنند، اینها هم خودشان را عرب‌مآب کرده‌اند. بعضی حتی اسمشان را که امید و امیدوار بود به عربی ترجمه کردند و شدند رجاء. چگونه می‌توان تصور کرد که حدود دو هزار و هفتصد دانشمند در فاصله ۴۰۰ - ۱۰۰ هجری در نیشابور ظهور کنند و همه فقط از قبایل مهاجر عرب باشند. این مهاجران چرا در سرزمین

۱. بیات مختاری، **دیدار فضل بن شاذان با امام رضا (ع)**: نقدی بر **معرفه الحدیث**، ص ۳۲ - ۳۰.

۲. کشی، **رجال الکشی**، ج ۲، ص ۸۳۲.

۳. تهرانی، **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، ج ۲۵، ص ۳۰۵.

۴. زنجانی، **الجامع فی الرجال**، ج ۲، ص ۵۶۳.

۵. مقدسی، **احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم**، ص ۴۲۸.

خودشان دانشمند نمی‌شدند؟»<sup>۱</sup> بنابراین، انتساب فضل به قبیله «ازد»، لزوماً به معنای یمنی بودن نیاکان او نیست. خاندان او می‌تواند از ایرانیان اصیل باشند که در راستای عدم پایداری حقوقشان، آزادی ولایی شده‌اند.<sup>۲</sup>

### تحریف در شخصیت همسر، دختر و داماد فضل

در فیلم، برای فضل، همسر و دختری به نام فاطمه، قلمداد شده است. این دختر در حال عقد که همچون شوهرش، سهراب، منتظر برپایی مجلس عروسی است، موضوع گفتگوی فضل و پیروز، پدر داماد، در همه برخوردها در تسریع تشکیل مجلس است. به‌علاوه در فیلم، نقش دختر او، بسیار مؤثر و پررنگ دیده شده است، به‌نحوی که علاوه بر مشورت و مدد به پدر در کمک به همسر نقشی بنیادین و انقلابی دارد.<sup>۳</sup> در جوانب این موضوع، چند نکته قابل ذکر است.

۱. هیچ منبع تاریخی، رجالی و حدیثی به زمان تولد فضل بن شاذان، تأهل و عدم تأهل، تعداد فرزندان، جنسیت و سن فرزندان، اشاره‌ای نداشته‌اند. در اساس، هیچ قرینه و دلیلی بر انتساب فرزند به او وجود ندارد و آن امری محتمل است.

۲. اگر فضل دارای فرزندی بدان نام بوده که در زندگی سیاسی و علمی پدرش، نقشی برجسته داشته، حداقل، می‌بایست فضل به ابوفاطمه نام‌بردار می‌شد و به‌علاوه به طور طبیعی، فاطمه که فاضل و دل‌مشغول به مقوله علم و سیاست بود، باید به نقل از پدر محدث، متکلم و فقیه‌اش می‌پرداخت، با اینکه در هیچ زمینه‌ای، نقل او گزارش نشده است، درحالی که در کتب حدیثی و رجالی نام پدر فضل، برادران فضل، پسران برادرش و نوۀ برادرش مطرح شده است.

۳. بی‌تردید، کنیه فضل بن شاذان طبق همه منابع، «ابومحمد» بوده است،<sup>۴</sup> اما اشاره‌ای در فیلم ستاره شرق به آن نشده است. درعین‌حال، تأکید می‌شود، کنیه مذکور، حاوی رهاورد یقینی بر اینکه او متأهل و دارای فرزندی به نام «محمد» بوده، نیست. رسم بر این بوده که برای اشراف و به‌منظور تفخیم،

۱. حاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، ص ۵۱.

۲. به‌عنوان مثال، طاهریان که ایرانی اصیل و به منوچهر و طبق روایت دیگر به رستم می‌رسند و معاصر ابن‌شاذان بودند، به قبیله «خزاعه» منسوب هستند. زمانی که طلحه بن عبدالله خزاعی، حاکم سیستان بود، طاهریان از موالی خزاعه شدند و حتی پس از کسب قدرت گسترده در قلمرو جهان اسلام، از کاربرد آن انتساب، خودداری نکردند. (اکبری، *تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام*، ص ۶۱)

۳. ستاره شرق، اکثر دقیقه‌ها.

۴. طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۳۹۰ و ۴۰۱؛ طوسی، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، ص ۱۹۶؛ نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۰۶؛ حلی، *خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال*، ص ۲۲۹؛ ابن‌داود حلی، *رجال ابن‌داود*، ص ۱۵۱.

در کنار اسم و لقب از کنیه استفاده می‌شده است. به‌علاوه بسیار اتفاق می‌افتاده که از باب «تفأل» و چشمداشت به داشتن فرزندی، کنیه‌ای انتخاب می‌شده؛ گرچه فضل دارای فرزندی نبوده و یا نشده است. اعراب حتی برای حیوانات کنیه وضع کرده‌اند، همان گونه که «ابوحارث» کنیه شیر است.<sup>۱</sup>

۴. بخش‌هایی از فیلم حاوی این است که همسر و دختر فضل بی‌چادر، گرچه با پوشش مناسب در معابر عمومی رفت و آمد می‌کنند، به‌نحوی که دست‌فروشان و صاحبان مغازه‌ها در شهر بزرگ نیشابور، آنان را می‌شناسند و از فروش اجناسشان به آنان خودداری می‌کنند.<sup>۲</sup> این نمایه از زنان مسلمان آن مکان و زمان و به‌خصوص همسر و دختر فقیه نام‌بردار شیعی آن منطقه و شناخته شدن آن دو برای دیگران، بسیار از حقیقت به دور می‌نماید.

۵. در این فیلم که در ارتباط با یک شخصیت عظیم شیعی دوران حضور است، مانند اکثر زنجیره‌ها و فیلم‌های ایرانی سالیان اخیر، جاذبه‌های جنسیتی ورود یافته است. گفتگوها و نگاه‌های سهراب و فاطمه و انتظار زوجین برای مجلس عروسی، تأکید و وعده همیشگی فضل بن شاذان - در ۲۶۰ ق که سال پایان عمرش است - به پدر داماد که مجلس را به زودی برگزار می‌کنیم<sup>۳</sup> و قهر و گریه همسر فضل از اینکه کسی در عروسی دخترش شرکت نکرد،<sup>۴</sup> انعکاس و تأثیر شرایط موجود قرن پانزدهم هجری قمری بر ذهن نویسنده و کارگردان تفسیر می‌شود. کشاندن فضای فیلم به امری موهم و محتمل در وجود دختر و فروکاستن و نپرداختن به موضوعات اساسی مربوط به فضل، رویکردی نالاستوار تلقی می‌شود.

۶. در فیلم، نام داماد این شاذان، سهراب و نام پدرش، پیروز با شغل صحافی است که برای هر دو، نقش کلیدی و معنادار در نظر گرفته شده است که درنهایت پیروز صحاف، به‌خاطر حمایت از فضل، صحافی و صیانت از کتب او، به وسیله جابر بن معاذ، در محل کارش کشته می‌شود.<sup>۵</sup> نام‌گذاری پدر و پسر، برخلاف سیره و عرف نام‌گذاری آن زمان است. گفته شد که پس از سیطره سیاسی و نظامی اعراب مسلمان بر ایران، بسیاری هویت مجعول برای خود ساختند و پیوند فامیلی با قبایل عرب به گونه‌ای وسیع، گسترده و رایج شد که کمتر خانواده‌ای از آسیب آن در امان ماند.<sup>۶</sup>

۱. مصطفی و همکاران، *المعجم الوسیط*، ص ۸۰۲.

۲. ستاره شرق، دقیقه ۳۱.

۳. همان، دقیقه ۳۰ - ۲۹.

۴. همان، دقیقه ۳۸ - ۳۷.

۵. همان، دقیقه ۶۵.

۶. حاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، ص ۱۶؛ بیات مختاری، *دیدار فضل بن شاذان با امام رضا (ع)*: نقدی بر *معرفه الحدیث*، ص ۲۸ - ۳۰.

## گزاره رازآلود قطع دست ایرانیان در کربلا

فیلم، فضل بن شاذان را در ۲۶۰ ق، بر منبر مسجدی نشان می‌دهد که با حرارت می‌گوید: «سال قبل در کربلا، مردانی از ایران را دیدم که دستان خود را برای زیارت امام حسین (ع) از دست داده‌اند، اکنون آماده‌اند که سر خود را هم بدهند تا به زیارت بروند» (ستاره شرق، ۱۳۹۳: دقیقه ۱۵ - ۱۴). در بررسی این بخش از فیلم‌نامه باید یادآورد شد که بی‌تردید، متوکل، خلیفه عباسی، به کینه‌توزی با خاندان حضرت علی (ع) مشهور بود. او که قبر امام حسین (ع) را پایگاهی علیه حکومتش می‌دانست، در ۲۳۶ ق دستور به ویرانی آن داد و سپس قبر را با زمین یکسان کردند، آب بستند و شخم زدند.<sup>۱</sup> باین‌حال، حکومت دریافت که حتی پس از تخریب، گروه‌گروه از مردم شبانه به زیارت محل قبر حضرت می‌روند. ازاین جهت، مأمورانی در نزدیکی قبر قرار دادند تا هر کس را که به آنجا می‌رود، به قتل رسانند. متوکل در شوال ۲۴۷ ق، یعنی ۱۲ سال پیش از مقطع سخنرانی فضل، به قتل می‌رسد و علویان و شیعیان در زمان منتصر که از ۲۴۷ ق، به خلافت رسید، قبر آن حضرت را بازسازی و زیارت انجام می‌پذیرفت.<sup>۲</sup> نگارندگان با بررسی اجمالی برخی از منابع همچون *مقاتل الطالبیین*، *مروج الذهب*، *تمه المنتهی* و برخی دیگر موضوع قطع دست‌ها را نیافتند.<sup>۳</sup> بر فرض تحقق مورد یا مواردی از قطع دست زائران، مدرک و قرینه‌ای حاوی اینکه آنان ایرانی بوده‌اند، در اساس موجود نیست.

## ویژگی‌های ناصواب محاکمه فضل

فیلم مذکور که زندگی ابن‌شاذان را در برهه کهن‌سالی و سال وفاتش نمایش می‌دهد، به گونه برجسته، حاوی جلسه محاکمه فضل است که گروهی بیشتر از ده نفر از عالمان سالخورده مذاهب اسلامی، او را به دلیل نقل روایاتی از پیامبر (ص) درباره امام مهدی (ع) و اعتقاد به مهدویت، محاکمه، تخطئه و سزاوار مجازات و زندان می‌دانند و در ادامه زندانی می‌شود و به خانواده‌اش، اجازه ملاقات نمی‌دهند.<sup>۴</sup> در این نمایش بصری، چهار لغزش بنیادین اتفاق افتاده است. ابتدا تنها روایتی که مشتمل بر این موضوع است و اولین بار کشی گزارش نموده، نقل و سپس به ناستواری فیلم پرداخته می‌شود:

ذکر ابوالحسن محمد بن اسماعیل البُنْدَقِي النِّيسَابُورِي: ان الفضل ابن شاذان بن الخليل نفاه عبدالله بن

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۸۵.

۳. اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۹۵؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۵۱؛ سیوطی، *تاریخ الخلفاء*، ص ۳۷۴؛ قمی،

*تمه المنتهی*، ص ۲۳۸؛ پیشوایی، *سیره پیشوایان*، ص ۵۸۷.

۴. ستاره شرق، دقیقه ۶۸.

طاهر عن نيسابور، بعد ان دعي به واستعلم كتبه وأمره أن يكتبها، قال: فكتب تحته: الاسلام [نخبه الاسلام] الشهادتان و ما يتلوها، فذكر: انه يجب ان يقف علي قوله في السلف. فقال أبو محمد: اتولي ابابكر وأتبرء من عمر، فقال له: ولم تتبرء من عمر؟ فقال: لاجراجه العباس من الشوري، فتخلص منه بذلك.<sup>۱</sup>

زمان، محاکمه کننده و حکم صادره: فیلم زمان محاکمه را ۲۶۰ق، گروه محاکمه کننده را گروهی از دانشمندان و نتیجه آن را زندانی شدن فضل، قلمداد می‌کند که سخنانی بی بنیاد است، زیرا کشتی از ابوالحسن محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری که شاگرد و راوی فضل بن شاذان به شمار می‌آید، با گزاره «ان الفضل ابن شاذان بن الخليل نفاه عبدالله بن طاهر عن نيسابور، بعد أن دعي به واستعلم كتبه [...]»، نقل می‌کند که عبدالله بن طاهر<sup>۲</sup> فضل را احضار و محاکمه کرده است بنابراین محاکمه در فاصله زمانی ۲۱۵ ق تا ۲۳۰ ق، اتفاق افتاده و نه ۲۶۰ ق و افزون اینکه نتیجه، نفی بلد و تبعید است و نه زندانی که به خانواده‌اش اجازه ملاقات ندهند.

چرایی محاکمه: فیلم‌نامه حاوی این است که عالمان اسلامی، او را به‌خاطر نقل روایاتی از پیامبر ﷺ درباره امام مهدی ﷺ و اعتقاد به مهدویت، محاکمه و سزاوار مجازات و زندان می‌دانند. در این راستا باید توجه داشت که بی تردید، در شمار تألیفات ۱۶۰ و یا ۱۸۰ گانه فضل، تعدادی از آثارش مانند **اثبات الرجعه**، **الرجعه**، **القائم**، **الملاحم**، **حذو النعل بالنعل**، **التنبیه من الحیره و التیه**، به موضوع مهدویت و مسائل مربوط به آن اختصاص یافته است.<sup>۳</sup> با بررسی کتب رجالی و فهرستی، می‌توان ادعا کرد که هیچ یک از صاحبان، با دو ویژگی کمیت و کیفیت، همانند فضل، در دوران حضور، مهدی‌پژوه نبوده و به مقوله مهدویت توجه نداشته‌اند. روایات بسیاری از او در منابع حدیثی موجود است.<sup>۴</sup> ابن‌شاذان، در مقطع اختناق

۱. کشی، **رجال الکشی**، ج ۲، ص ۸۱۸.

۲. طاهر بن حسین بن مصعب (ذوالیمینین) از ۲۰۵ ق تا ۲۰۷ ق، حاکم خراسان بود و پس از او، طلحه بن طاهر به نیابت از عبدالله بن طاهر یا به استقلال، مسئول امارت خراسان شد. طلحه در ۲۱۳ ق درگذشت و عبدالله بن طاهر مأموریت یافت تا به خراسان رود. از آنجاکه او در دینور، مشغول فراهم‌سازی لشکر برای اعزام به جبهه جنگ با بابک خرم‌دین بود، برادرش علی را موقتاً به خراسان فرستاد و خود بعد به خراسان آمد. او در ۲۱۳ ق به امیری خراسان منصوب شد، اما عملاً در ۲۱۵ ق، کار خویش را شروع کرد و نیشابور را برخلاف پدر و برادرش که در مرو مستقر بودند، به دلایلی چند به‌عنوان پایتخت برگزید. او به مدت ۱۷ سال حاکم رسمی خراسان بود و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الآخر ۲۳۰ ق، در سن ۴۸ سالگی زندگانی را به پایان رساند و در نیشابور دفن شد. (حاکم نیشابوری، **تاریخ نیشابور**، ص ۲۲۰؛ اصفهانی، **تاریخ پیامبران و شاهان**، ص ۲۰۷؛ اکبری، **تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام**، ص ۲۱۲ - ۱۷۳)

۳. کشی، **رجال الکشی**، ج ۲، ص ۸۲۲؛ طوسی، **فهرست کتب الشیعه و اصولهم**، ص ۱۹۶؛ نجاشی، **رجال النجاشی**، ص ۳۰۶.

۴. بیات مختاری، **مسند الفضل بن شاذان النیسابوری**، ج ۱، ص ۳۳۱ - ۲۵۱.



و فشار شدید بر امامان جواد علیه السلام، هادی علیه السلام و عسکری علیه السلام و در مقطع تولد امام دوازدهم که همگی منصوب و منصوبند، به نگارش این تألیفات پرداخته است. او با این تألیفات گوشزد و مژده می‌دهد که نظام سیاه عباسی و سایر نظام‌های غیر الهی ماندگار نیستند و جریان پیروز که تاریخ نیز به سوی آن حرکت می‌کند، حاکمیت ارزش‌های مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

طبق نص مذکور، انگیزه محاکمه فضل از سوی عبدالله بن طاهر، کلیت دیدگاه‌های فضل، از جمله موضوع رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و اعتقاد به مکتب امامت است و در نشست دادگاه، نهاد «مهدویت» مطرح نبود. مبنی بر گزارش مذکور از کشی، عبدالله بن طاهر، فضل بن شاذان را احضار و از او درخواست نمود تا محتوا و رویکرد آثار و چکیده عقایدش را بنویسد. ابن شاذان اعتقاد به یکتایی خدا و نبوت پیامبر اسلام و الزامات متفرع بر این دو اصل را به عنوان عقایدش برشمرد. عبدالله گفت می‌خواهم اعتقاد تو را درباره خلفای نخستین اسلام و موضوع رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بدانم؟ فضل گفت: ابوبکر را دوست دارم و از عمر بیزارم. عبدالله گفت: چرا از عمر تبری می‌جویی؟ فضل پاسخ داد: به خاطر اینکه او عباس را به شورا نخواند. سخن فضل نوعی تقیه بود، زیرا در بین فرق مسلمین کسی یافت نمی‌شود که ابوبکر را دوست بدارد و از عمر بیزار باشد. درعین حال، سخنش متضمن نوعی پاسخ خوشایند برای عباسیان بود، زیرا عباس عموی رسول خدا و سرسلسله عباسیان بود و عبدالله بن طاهر پیرو مکتب خلافت و از طرف آنان به حکومت خراسان منصوب بود. درنتیجه، عبدالله از اتخاذ خشونت خودداری و صرفاً فضل را به بیرون از آن دیار، تبعید نمود.<sup>۱</sup>

بی‌تردید دلیل محاکمه فضل، موضوع «مهدویت» نبوده زیرا در بین اهل سنت اعتقاد به مهدویت، قطعیت برپایی دولت جهانی امام مهدی علیه السلام، قریشی، علوی، فاطمی و غیره که بر اساس بشارت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفته، اتفاق نظر وجود دارد. تکرار و تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت علیهم السلام بر این امر، سبب شده است بسیاری از محدثان و محققان فریقین با نگاشتن کتاب‌های مستقل و یا اختصاص فصولی از کتاب‌هایشان، بر تواتر این احادیث و قطعیت باور داشته، بر تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام استدلال نمایند و منکرش را فاسق و کافر شمارند. در صحاح و منابع معتبر اهل سنت، روایات مهدویت در حد تواتر است.<sup>۲</sup>

۱. کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۸۱۸؛ خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۳۱۳.  
 ۲. ابن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۳۷۶ و ۴۰۵؛ ج ۲، ص ۴۱۷ و ۳۷۰؛ ج ۳، ص ۳۱۶؛ ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳؛ ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۱ - ۳۱۰ و ۳۰۳؛ ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۳، ص ۲۸۴؛ ج ۱۵، ص ۹۳ و ۲۳۸ - ۲۳۶؛ بخاری، الجامع الصحیح، ج ۸، ص ۸۹ و ۴۰۶؛ ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸ و ۱۳۴۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۱ و ۴۳۱؛ ابن بطریق، عمدہ عیون صحاح الاخبار فی مناقب

## کاهش و افزایش در بیان تصنیفات

در بخش‌های گوناگون فیلم، سخن از آثار فضل به میان آمده است. در بخشی نشان می‌دهد که فضل در ۲۶۰ ق، سه کتاب خود به نام‌های *الایضاح، القائم و الیوم و اللیل* که بسیار حجیم می‌نماید، در دست دارد و به پیروز صحاف مراجعه می‌کند و می‌گوید که اینها اولین کتاب‌های من است که از احادیث گرد آورده‌ام و شما آنها را صحافی کن.<sup>۱</sup> این در حالی است که شیخ طوسی گزارش می‌دهد که فضل بن شاذان نیشابوری، فقیه و متکلم ارجمند و دارای کتاب‌ها و تصنیفات فراوانی است و ۳۲ عنوان از تألیفاتش را برشمرده و می‌نویسد که برای او کتبی دیگری است که به اسامی آنها شناختی نداریم. در عناوینی که شیخ طوسی گزارش می‌دهد، نامی از ایضاح نیست. نجاشی نیز می‌نویسد که گنجی گزارش می‌دهد ابن‌شاذان، ۱۸۰ کتاب تألیف کرده است. او سپس ۴۸ عنوان از تألیفاتش را برمی‌شمارد که در عداد آنها، ایضاح، ذکر نشده است.<sup>۲</sup> شایان ذکر است که فضل سالیانی قبل در فاصله بین ۲۱۵ ق تا ۲۳۰ ق که زمان درگذشت عبدالله بن طاهر است، به دلیل عقاید و تصنیفاتش محاکمه و تبعید گردیده و نمی‌توان آن سه کتاب را اولین نگاشته‌های فضل به شمار آورد. حال این سؤال مطرح است که بر اساس گزارش فیلم، چگونه فضل بن شاذان، ۱۸۰ کتاب را در سال پایانی عمرش، به نگارش درآورده است!

در قسمتی دیگر از فیلم نشان داده می‌شود که نیروهای حکومتی به منزل فضل هجوم آورده‌اند و درب منزل او را شکسته و اعلام می‌شود که به حکم امیر، ابن‌شاذان مجرم و نوشته‌هایش کفرآمیز است.<sup>۳</sup> تمام کتاب‌هایش در جلسه‌ای که حاکم و شیخ الشیوخ نیز حضور دارند، آورده می‌شود. نگاشته‌های فضل افزون بر الهیات، در حوزه طب، هیئت، جغرافیا و ریاضیات، نیز قلمداد می‌شود. فیلم‌نامه او را ذوالفنون معرفی می‌کند،<sup>۴</sup> اما تردیدی در گزافه‌گویی نیست. طوسی و نجاشی تنها او را فقیه و متکلم عالی‌قدر معرفی کرده‌اند و عناوین حدود ۸۰ کتابی که آن دو گزارش کرده‌اند، نیز همگی در حوزه کلام و فقه است و عناوین حاوی موضوعات دیگر نیست.<sup>۵</sup>

۱. *امام‌الابرار*، ص ۴۳۹ و ۴۳۳؛ مسلم نیشابوری، *الجامع الصحیح*، ج ۸، ص ۱۷۰، ۱۶۷ و ۵۸؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۴، ص ۲۶۶؛ قندوزی، *ینایع الموده لدوی القری*، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مقدسی شافعی، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، ص ۲۱۳؛ طبرانی، *مسند الشامیین*، ج ۲، ص ۷۲؛ فیض کاشانی، *الوافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.

۱. ستاره شرق، دقیقه ۲۹ - ۲۷.

۲. طوسی، *فهرست کتب الشیعه و أصولهم*، ص ۱۹۸؛ نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۰۶.

۳. ستاره شرق، دقیقه ۵۰ - ۴۸.

۴. همان، دقیقه ۷۵ - ۷۳.

۵. طوسی، *فهرست کتب الشیعه و أصولهم*، ص ۱۹۸؛ نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۰۶.

فیلم دربرگیرنده این است که دشمنان و گماشتگان حکومت شایع کردند که امام عسکری علیه السلام، فضل را طرد و سخنانش را کفرآمیز شمرده و از رهگذر این نیرنگ‌ها، جایگاه ابن‌شاذان دستخوش تزلزل گردید و دامادش، سهراب، به رهنمود او و یا به خود ایستایی، با آوردن سه کتاب *قطور الرجال*، *القائم* و *الإيضاح*، نزد امام عسکری علیه السلام در سامرا درصدد استحکام جایگاه ابن‌شاذان برآمده است. امام پس از تورق و بررسی می‌فرمایند که درون‌مایه اینها درست و عمل به آنها جایز است و سپس هر سه را مهر و امضاء می‌کنند و سهراب آنها را به نیشابور منتقل و شایعه را ابطال می‌کند.<sup>۱</sup> بی‌گمان این گزارش اجتهاد فراروی نصّ و به تماماً ساختگی است. همان طور که ذکر شد، شیخ طوسی ۳۲ عنوان و نجاشی ۴۸ عنوان از تصنیفات فضل را برشمرده‌اند، ولی در عداد آنها، *ایضاح* و *الرجال* در اساس یاد نشده‌اند. از سویی، باید بیان داشت که مگر *ایضاح* موجود و *الرجال* مفروض، نوشتاری عملی و رفتاری هستند که حضرت کنش به محتوی آنها را مورد تأکید قرار دهند. *ایضاح*، نقد مکاتب کلامی و کتاب‌های رجالی در شناخت راویان حدیث است. همچنین باید دانست که دیدارکننده با امام عسکری علیه السلام، سهراب نیست، بلکه بورق بوشنجان از دانشمندان شیعی است و حضرت، تنها کتاب *اليوم والليلة* را مشاهده و آن را تأیید نموده‌اند و خبری از *الرجال*، *القائم* و *الإيضاح* نیست.

کشی از محمد بن ابراهیم وراق سمرقندی نقل می‌کند:

تصمیم به حج گرفتم و در مسیصر به دیدار بورق بوشنجان از دانشمندان شیعی اهل هرات رفتم. سخن از فضل بن شاذان به میان آمد. بورق گفت: فضل گرفتار بیماری سختی بود که به پاس فراوانی بیرون رفتن از خانه، شب‌ها نمی‌توانست به استراحت بپردازد. رهسپار سفر حج شدم و نخست به بغداد رفتم و به حضور محمد بن عیسی عبیدی از دانشمندان بزرگ شیعی رسیدم. او و شیعیان دیگر برای زندانی شدن امام عسکری علیه السلام غمگین و نگران بودند. راهی حج شدم و پس از پایان مناسک دوباره نزد محمد بن عیسی در بغداد رفتم و او و اطرافیانش را از جهت آزادی امام خرسند یافتیم. عازم سامرا شدم. چون به پیشگاه حضرت رسیدم، کتاب *اليوم والليلة* اثر فضل را که با خود داشتم، به ایشان دادم. حضرت نوشته را تا پایان نگریست و سپس با گزاره: «هذا صحيحٌ ينبغي أن يعمل به»، فرمودند روایات و مطالب کتاب همگی درست و شایسته عمل است. سپس گفتم ابن‌شاذان سخت بیمار است و ناهم‌سویمان شایع کرده‌اند که بیماری او پیامد نفرین شماس است، زیرا به شما گزارش کرده‌اند که او وصی ابراهیم را بهتر از جانشین محمد صلی الله علیه و آله می‌داند، اما او این جمله را نگفته و بر او دروغ بسته‌اند. امام با گزاره

«نعم رحم الله الفضل»، گفتند آری، فضل چنین سخنی نگفته و ما او را نفرین نکرده‌ایم و خداوند او را مشمول رحمت خویش قرار دهد.<sup>۱</sup>

### شخصیت ساختگی جابر بن معاذ

در فیلم، شخصی به نام جابر بن معاذ بغدادی، به‌عنوان شیخ الشیوخ بغداد و جهان اسلام، نقش کلیدی دارد. او نیمه‌شب ۲۶۰ ق در بغداد مشغول عبادت است که مأموران خلافت از سامرا، فرامی‌رسند و بی‌آنکه اجازه دهند تا او آماده سفر شود، با مرکبی که خود آورده‌اند، او را به سامرا می‌برند تا به نیشابور برای خاموش کردن فضل بفرستند.<sup>۲</sup> در ادامه گفتارها و رفتارهایی از او سر می‌زند که برخلاف عقل و عرف جامعه است. مبنی بر بررسی منابع دریافت می‌شود که وجود شخصی به نام جابر بن معاذ امری موهوم و ریشه در هیچ منبع تاریخی ندارد. به‌علاوه جعل آن نام اثر منفی دارد، زیرا تلفیقی از نام جابر بن عبدالله انصاری و معاذ بن جبل است که از صحابیان پیامبر ﷺ می‌باشند. در این بین سؤالات چندگانه‌ای مطرح می‌شود: چه حادثه غیرمترقبه رخ داده که باید او احضار و مسافت بغداد تا سامرا با تاختن سریع اسب‌ها در دل شب اتفاق بیفتد؟ آیا متعارف است که دستگاه خلافت با «شیخ الشیوخ» در حال عبادت خود که سخت به همکاری‌اش نیازمند است و همه یاغیان علیه حکومت با او سروکار دارند و او تقاضای مهلت برای آماده شدن سفر می‌کند، وقعی ننهد و برخورد غیرمؤدبانانه داشته باشد و در دارالحکومه سامرا نیز او را تحقیر و استهزاء نماید؟ مگر شرق جهان اسلام از بغداد تا مرو، سمرقند، بخارا و نیشابور فاقد محدث – متکلم است که باید «شیخ الشیوخ» برای اسکات و اقتناع فضل، به نیشابور اعزام شود؟ درحالی که آن عصر، عالمان بزرگ مکتب خلافت و اهل سنت همانند بخاری، مسلم بن حجاج نیشابوری، ابن‌راهویه، محمد بن یحیی و صدها دانشمند دیگر، در نیشابور حضور داشتند.

جابر بن معاذ از مسافرت به نیشابور و گفتگوی با فضل واهمه و ترس دارد و به معتمد، خلیفه عباسی، می‌گوید در ایام تحصیل با او بوده‌ام بنابراین من را از رفتن به نیشابور معاف کنید.<sup>۳</sup> چگونه اتفاق می‌افتد که فضل شیعی و جابر بن معاذ از مکتب خلافت، در بغداد مشایخ یکسان داشته باشند؟ به‌علاوه چرا ترس؟ به قول فضل، کل جهان اسلام، طعم فتاوی جابر بن معاذ را چشیده‌اند.<sup>۴</sup> کدام امپراتوری که مدیران و فرماندهان بزرگ سیاسی و نظامی دارد، قاضی القضاات و فقیه خود را تطمیع به حکومت می‌کند

۱. کشی، رجال‌الکشی، ج ۲، ص ۸۱۷.

۲. ستاره شرق، دقیقه ۴ - ۱.

۳. همان، دقیقه ۸ - ۷.

۴. همان، دقیقه ۱۲ - ۱۱.

و برای گفتگوی با فضل و اسکات و اقناع او، حکومت منطقه خراسان را به وی می‌بخشد.<sup>۱</sup> کدام فقیه ملی در عینیت جامعه به خود اجازه می‌دهد که همانند انسان‌های قاتل و شریر به شکنجه و قتل بی‌گناهانی از جمله پیروز صحاف در حضور ده‌ها نفر و در محل کارش پردازد؟<sup>۲</sup> در حالی که جابر ساختگی، از عابدان شب‌های بغداد بود.

### کُنشگری فضل پس از خاندان طاهر

فیلم دربرگیرنده این است که پس از حضور جابر در ۲۶۰ ق نزد معتمد برای اعزام به خراسان، به او گفته می‌شود که فضل پس از سرنگونی طاهریان، دوباره تکاپویش را بر ضد خلیفه آغاز کرده، از این‌رو برای آرام‌سازی به خراسان رهسپار شود.<sup>۳</sup> در بخشی دیگر، جابر در زندان نیشابور، فضل را مخاطب قرار داده و می‌گوید: دودمان طاهر برافتاده‌اند و در دوره آل صفار با تو مدارا نخواهد شد.<sup>۴</sup> بی‌گمان این سخنان به دو دلیل با واقعیت تاریخ، فاصله دارد:

۱. پنج تن از طاهریان از سوی عباسیان به‌عنوان مدیر سیاسی خراسان و در حدود نیم قرن به‌صورت موروثی منصوب شده‌اند: طاهر بن حسین بن مصعب نام‌بردار به ذوالیمینین (۲۰۷ - ۲۰۵ ق)، طلحه بن طاهر (۲۱۳ - ۲۰۷ ق)، عبدالله بن طاهر (۲۳۰ - ۲۱۳ ق)، طاهر بن عبدالله بن طاهر (۲۴۸ - ۲۳۰ ق) و محمد بن طاهر بن عبدالله (۲۵۹ - ۲۴۸ ق). اگرچه کابینه طاهری خراسان در ۲۵۹ ق به وسیله یعقوب بن لیث صفار از میان رفت، اما برخی از رویدادها اشاره دارد که آنان حتی تا ۳۰۱ ق عهده‌دار مناصبی در بغداد بوده‌اند.<sup>۵</sup> زندگی دانشوارانه، فرهنگی و سیاسی ابن‌شاذان، هم‌زمان با تمامی دوره امارت طاهریان در خراسان بوده است و نه اینکه با سرنگونی آنان، کار و جنبش اساسی‌اش را آغاز کرده باشد. گزارش‌ها نشان‌گر آن است که فضل در زمان سقوط آل طاهر و درآمدن یعقوب به نیشابور در دوم شوال ۲۵۹ ق، بیمار بوده و حداکثر چهار ماه پس از آن درگذشته است. بوق بوشنجانی به احتمال قوی در شوال ۲۵۹ ق دو ماه پیش از آغاز آئین حج و شاید اندکی قبل‌تر، به دیدار فضل می‌آید که اگر پیامی ویژه برای امام عسکری علیه‌السلام دارد، دریافت شود. او در این سفر کتاب **الایوم و اللیل** فضل را به سرزمین وحی می‌برد و سپس برای دیدار حضرت، به سامرا می‌رود. بیماری فضل گزارش می‌شود و اینکه دشمنان بیماری را

۱. همان، دقیقه ۹ - ۸.

۲. همان، دقیقه ۶۵.

۳. همان، دقیقه ۸ - ۷.

۴. همان، دقیقه ۵۸.

۵. اکبری، *تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام*، ص ۲۴۲.



نتیجه نفرین حضرت می‌دانند، اما حضرت آن شایعه را تکذیب و بر فضل چند بار رحمت می‌فرستند.<sup>۱</sup> اگر دیدار بورق بوشنجانی با حضرت، یک ماه پس از ذی‌الحجه رخ داده باشد، باید درگذشت فضل در محرم ۲۶۰ ق و حداکثر در ماه صفر اتفاق افتاده باشد، زیرا بورق می‌گوید پس از بازگشت به نیشابور روشن شد در همان زمان که حضرت، فضل بن شاذان را مورد ترحم خویش قرار داد، او درگذشت. امام عسکری علیه‌السلام نیز دو ماه پس از فضل در هشتم ربیع‌الاول ۲۶۰ ق به شهادت رسید.

۲. اینکه گفته شود، روزگار آل‌طاهر به خلاف صفاریان برای فضل عصر مدارا بوده، در اساس، صحیح نیست. حقیقت آن است که طاهریان از نظر مذهبی سنی بوده و حرکت و موضع مذهبی آنان در راستای مواضع خلفای عباسی رقم خورده است. هنگامی که مأمون اظهار دیدگاه معتزلی نمود، طاهریان نیز همان را پیروی می‌کردند و زمانی که متوکل عباسی به پشتیبانی از اهل حدیث پرداخت، طاهریان هم‌گرایی داشتند. طاهریان با ارسال خراج و پیشکش هدایا و ضرب سکه به نام خلیفه و حذف کردن و تبعید دشمنان حکومت عباسی، همانند علویان و افرادی همچون فضل بن شاذان، وفاداریشان را نسبت به خلافت بغداد ابلاغ می‌داشتند. وفاداری طاهریان به عباسیان در طی ۵۵ سال فرمانرواییشان (۲۵۹ - ۲۰۵ ق) برجسته‌ترین ویژگی سیاسی آنان محسوب می‌شود. قتل امین به دست طاهر، به انگیزه روی کار آوردن مأمون انجام پذیرفت. بعدها نیز همین فداکاری را طاهریان در هر زمان از خود نشان داده و مأمور سرکوبی شورش‌های خوارج، علویان و دیگر شورش‌هایی بودند که در هر نقطه‌ای از عراق، مصر و یا ایران بر ضد عباسیان رخ می‌داد.

## نتیجه

سینما به‌عنوان پدیده‌ای نسبتاً نوظهور، نقش بسیار مهمی در ایجاد و تغییر فرهنگ و فرهنگ‌پذیری افراد جامعه دارد و همانند سایر یافته‌ها و ساخته‌های انسانی، می‌تواند مفید یا مضر باشد. هنر سینما به‌عنوان یک هنر برتر، عاملی مسلط و مشرف به ذهن مخاطب است و گفتمان بصری ارائه شده به‌ویژه در زمینه آثار برخورداری از درون‌مایه تاریخی، می‌تواند شکل‌گیری نگرش بیننده را به همراه داشته باشد. مبنی بر یافته‌های پژوهش دریافت می‌گردد که فیلم‌نامه‌نویسان ستاره شرق، فارغ از بررسی همه‌جانبه در منابع معتبر و یا چنانچه توانایی بهره‌برداری ندارند، با گزینش مشاوره‌ی کارآزموده در تاریخ اسلام، نتوانسته‌اند به هدف دستیابی به حقیقت راستین زندگانی فضل بن شاذان جامه عمل بپوشانند و از این رهگذر، لغزش‌ها و کاستی‌های بنیادین رقم خورده است. کل متن فیلم از آغاز تا انتها حاوی زندگی فضل مربوط به ۲۶۰ ق است

که طبق تحقیق مستند، او در ۲۵۹ ق بیمار بوده و در اولین ماه ۲۶۰ ق و حداکثر در دومین ماه آن سال، فوت کرده است. فیلم در گزارش از اصالت و نژاد فضل و خانواده او، برهه فعالیت‌هایش، زمان نگارش کتاب‌ها و جایگاه آنها، چرایی برپایی دادگاه، محاکمه کننده او و برهه محاکمه و فرجام آن، سخت به خطا رفته است. همچنین شیعیان و بزرگان مکتب امامت را بسیار زودباور و درون‌تهی پنداشته، به گونه‌ای که مأمور درجه اول حکومت، در میان بزرگان شیعه راه می‌یابد و آنان او را به عنوان نماینده شیعیان نیشابور، نزد امام عسکری علیه السلام می‌فرستند تا از منزلت فضل پرسش کند و او با همکاری دستگاه حکومت، نامه‌ای را به نام امام جعل و به مردم ارائه و آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تأسفبارتر اینکه، جابر بن معاذ، فقیه شناخته شده مکتب خلافت که در مقابل دیدگان‌شان، اقدام به خونریزی و بزهکاری می‌نماید، با دسیسه حکومت به عنوان نماینده امام عسکری علیه السلام به جای فضل معرفی و مورد پذیرش برخی قرار می‌گیرد. خط سیر فیلم به گونه‌ای است که هیچ فردی پاسخ سلام فضل، بزرگ‌ترین فقیه و متکلم شرق جهان اسلام، را نمی‌دهد، به همسر و دخترش کالا نمی‌فروشند، تنها پشتیبانش دامادش است که بنیان موجودیت همه آنان، نیز قابل تردید است. علاوه بر این، فیلمنامه از جهت ساختار نیشابورشناسی و شیعه‌پژوهی، دستخوش چالش بنیادین است، چنان‌که عالمان مکتب امامت و شیعیان نیشابوری را سطحی‌نگر، ساده‌لوح و فریب‌خورده ترسیم می‌نماید که بی‌شک این همه، به واسطه عدم بهره‌مندی از کارشناسان برجسته علم تاریخ در حوزه تولیدات تصویری و برهانی آشکار بر لزوم رهایی از مطالعات جزیره‌ای و توجه به مطالعات بین‌رشته‌ای با حضور متخصصین علوم گوناگون (در این فیلم: تاریخ - هنر) محسوب می‌شود.

## منابع و مأخذ

- ابن بطریق، یحیی (۱۴۰۷ ق). *عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار*. قم: اسلامی.
- ابن حبان، محمد (۱۴۰۸ ق). *صحیح ابن حبان*. تحقیق شعیب الارنؤوط. بیروت: الرساله.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ ق). *المسند*. بیروت: الرساله.
- ابن داوود حلی، حسن بن علی (۱۳۹۲ ق). *رجال ابن داود*. نجف: الحیدریه.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (بی‌تا). *سنن ابن ماجه*. تحقیق و تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار الفکر.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ ق). *سنن ابی داود*. تحقیق و تعلیق سعید محمد لحام. بیروت: دارالفکر.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۸۵ ق). *مقاتل الطالبیین*. نجف: حیدریه.

- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۶۷ ش). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیر کبیر.
- اکبری، امیر (۱۳۸۴ ش). *تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). *الجامع الصحيح*. بیروت: دارالفکر.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۱ ش). *دیدار فضل بن شاذان با امام رضا (ع): نقدی بر معرفه الحدیث*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۳ ش). *مسند الفضل بن شاذان النیسابوری*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۷ ش). *سیره پیشوایان*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ ق). *سنن الترمذی*. تحقیق احمد محمد شاکر. مصر: مصطفى البانی.
- تهرانی، محمد محسن (آقابزرگ) (۱۳۳۷ ش). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. تهران: کتابخانه اسلامی.
- جهانگردی، فاطمه (۱۳۹۶ ش). «نقش فیلم در آموزش تاریخ: چالش‌ها و راهکارها». *رشد آموزش تاریخ*. ش ۶۵. ۲۴ - ۲۵.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵ ش). *تاریخ نیشابور*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۴۱۱ ق). *المستدرک علی الصحيحین*. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ ق). *خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال*. تحقیق جواد قیومی. قم: مؤسسه الفقاهه.
- حسین خانی، فائزه (۱۴۰۱). «ظرفیت‌ها و آسیب‌شناسی فرهنگی - تمدنی سریال‌های تاریخی رسانه ملی (با محوریت سریال‌های تاریخی علماء شیعه)». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق). *معجم رجال الحدیث*. بی‌جا. بی‌نا.
- زنجانی، موسی (۱۳۹۴ ق). *الجامع فی الرجال*. قم: چاپخانه پیروز.
- سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). *تاریخ الخلفاء*. تحقیق لجنه من الأدباء. مکه: توزیع دار التعاون عباس احمد الباز.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). *التوحید*. تصحیح سید هاشم حسینی. قم: اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش). *الخصال* (تصحیح علی‌اکبر غفاری). قم: اسلامی.
- صدوق، محمد (۱۴۰۴ ق). *عیون اخبار الرضا (ع)*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

- صدوق، محمد (۱۳۶۳ ش). **من لا یحضره الفقیه**. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- طبرانی، سلیمان (۱۴۱۷ ق). **مسند الشامیین**. تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- طوسی، محمد (۱۳۶۳ ش). **الإستبصار**. تصحیح سید حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۳۶۵ ش). **تهذیب الأحکام**. تصحیح سید حسن موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۴۱۵ ق). **رجال الطوسی**. تحقیق جواد قیومی. قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد (۱۴۱۷ ق). **فهرست کتب الشیعه و أصولهم**. قم: مؤسسة نشر الفقاهه.
- عاقبتی خطبه سرا، آرش (۱۳۹۳ ش). تاریخ اسلام در قاب سینما، پیشنهاد سوژه‌های تاریخی به سینما گفتاری از محمدحسین رجبی. **زمانه**. ۳۱ (۲). ۲۵ - ۲۴.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۶۷ ش). **راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام**. مشهد: گنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- فرخی، حسین (۱۳۷۵ ش). تاریخ اسلام و مضامین اسلامی در فیلم‌های کودکان و نوجوانان. **سینما تئاتر**. ۴ (۴). ۲۱ - ۱۸.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ ق). **الوافی**. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامه.
- قمی، عباس (۱۳۳۳ ش). **تتمة المنتهی**. تصحیح علی محدث‌زاده. تهران: کتابفروشی مرکزی.
- قندوزی، سلیمان (۱۴۱۶ ق). **ینایع الموده لذوی القربی**. تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی. تهران: دار الاسوه.
- کشی، محمد (۱۴۰۴ ق). **رجال الکشی**. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: موسسه آل‌البیت.
- کلینی، محمد (۱۳۶۵ ش). **الکافی**. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۹). واکاوی تبدیل گفتمان مکتوب غزوه خیبر به گفتمان بصری در کتاب طوفان البکاء (مطالعه موردی آثار میرزا علی قلی خویی). **نامه هنرهای کاربردی و تجسمی**. ۷ (۳). ۹۱ - ۶۹.
- متقی هندی، علی (۱۴۰۱ ق). **کنز العمال**. تصحیح الشیخ صفوة السقا. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- محمودیان، آزاده زینب (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان بصری پوشش زنان در شبکه نمایش خانگی با تأکید بر هویت ایرانی - اسلامی. **مطالعات هنر**. ۲ (۱). ۱۳۵ - ۱۶۶.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۶۵ م). **مروج الذهب**. بیروت: دار الأندلس.
- مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۹۸ ق). **الجامع الصحیح**. بیروت: دار الفکر.
- مصطفی، ابراهیم و همکاران (۱۴۲۶ ق). **المعجم الوسیط**. تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.

- مقدسی، محمد (۱۳۶۱ ش). *احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقدسی شافعی، یوسف (۱۴۱۰ ق). *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*. بیروت: مکتبه المنار.
- میرلوحی موسوی (۱۳۸۴ ش). *کفایه المتهدی*. قم: دار التفسیر.
- نجاشی، احمد (۱۴۱۶ ق). *رجال النجاشی*. تحقیق سید موسی زنجانی. قم: اسلامی.
- نجف، محمد مهدی (۱۴۰۹ ق). *الجامع لروایات و اصحاب الامام الرضا علیه السلام*. مشهد: المؤتمر العالمی الامام الرضا علیه السلام.
- هاشمی، سید هاشم (۱۳۹۶). صورت‌بندی سریال معمای شاه در تعامل سه‌گانه هستی‌شناسی، تاریخ، رسانه. *معرفت فرهنگی اجتماعی*. ۷ (۱). ۹۹ - ۱۱۶.

- URL 1: <http://sourehcinema.ir/?p=32722>
- URL 2: <https://khorasan.iqna.ir/fa/news/3018881>
- URL 3: <https://rasekhoon.net/news/show/1024447>
- URL 4: <https://mehrnews.com/news/2314027>
- URL 5: <https://akharinkhabar.ir/story/4722282>